

## سوء تفاهمی دیگر

امیرفیض- حقوقدان

از ایمیل های رسیده به جاوید ایران مطلع شدم، که در مسیر سوء تفاهمی که برازنده قبای کهنه سیاسی ارادتمند نیست افتاده ام و تکلیف دارم که در مقابل آن بایستم.

سوء تفاهم آنجاست که برای ایرانیارگرامی آقای دکتر حمزه پور در رابطه با سلطنت گروگان این تفاهم نا موجه تداعی شده که این سرباز با درباردار امیر هوشنگ آریانپور همکاری سیاسی داشته ام!

**سنگرها گواه است؛ کسی که معتقد به تداوم حقانیت سلطنت اعلیحضرت رضاشاه دوم است نمیتواند با کسانی که به عناوین مختلف قائل به ختم سلطنت ایران هستند همکاری سیاسی داشته باشد.**

در تاریخ بیستم اسفند ماه سال ۱۳۸۰ درباردار آریانپور نامه سرگشاده مفصلی تحت عنوان (نامه سرگشاده به شاهزاده رضا پهلوی) انتشار داد. هم زمان با انتشار نامه مزبور که در این تحریر با رئوس آن آشنا خواهیم شد آقای جعفر نیاکی در نشریه نیما در حمایت و تائید مطالب آقای آریانپور در نامه سرگشاده شان مقاله ای مندر ساخت که در واقع تشریح مطالب مورد ادعای درباردار آریانپور بود.

سنگر رساله ای در ۳۲ صفحه، قطع سنگر، در پاسخ به نامه سرگشاده آقای درباردار آریانپور و مقاله آقای جعفر نیاکی انتشار داد و در قسمت آخر رساله متن نامه سرگشاده درباردار آریانپور و مقاله جعفر نیاکی را نیز منتشر ساخت.

سنگر عنوان رساله مزبور را **رباطهای تیر انداز** انتخاب کرد زیرا همانطور که در مقالات در رابطه با شورش ۵۷ و طرحهای محافظت از جمهوری اسلامی از جمله طرح هنری پرشت بیان شد مخالفت با تداوم سلطنت و عنوان شاه و شاهنشاهی بصورت فریضه ای برای عوامل نزدیک به سیاست آمریکا و یا علاقمند به تبعیت از سیاست آمریکا در آمده است و در واقع آنان نقش **رباط** را بازی میکنند نه انسان آگاه و منور و با اراده ای را.

اکنون قدری با رساله مزبور آشنا میشویم:

برنامه نامه سرگشاده درباردار آریانپور و آقای جعفر نیاکی مصادف بود با اعلام جمهوری اسلامی مبنی بر اینکه؛ <به تمام روزنامه نگاران ایرانی دستور داده شده که از بکار بردن عنوان شاه به دنبال نام محمد ظاهر شاه؛ پادشاه افغانستان خودداری کنند و حتی الامکان از وی نام برده نشود و در صورت ضرورت فقط محمد ظاهر نوشته شود (نه ظاهر شاه)> (خبرگزاری رویترز)

نا گفته پیداست که نگرانی و وحشت جمهوری اسلامی از بازگشت سلطنت به افغانستان، فراهم شدن زمینه های فکری و گرایشی برای بازگشت سلطنت و رضاه شاه دوم به ایران بوده است.

**تیر اندازی رباتها** یعنی آقایان دریادار آریانپور و جعفرنیاکی دقیقا متوجه و تقویت هدفی است که جمهوری اسلامی در رابطه با بازگشت سلطنت به ایران انتخاب کرده است (از همان رساله).

## **اهداف تیر اندازی ربات ها**

اهداف مخربی که آریانپور و همراه او جعفرنیاکی (کی) که در برخی مقالات او از عنوان سرلشگر هم استفاده شده عبارت است از:

۱. رضا پهلوی شاه نیست و مطابق رفتارندم سال ۵۸ مردم ایران سلسله پهلوی را از سلطنت خلع کرده اند.

۲. رضا پهلوی هیچ گونه محبوبیتی ندارد و ۹۹/۹ درصد از ۷۰ میلیون مردم ایران او را نمی شناسند.

۳. طرفداران رضا پهلوی نه حرف او را گوش میکنند و نه به خواسته های او احترام میگذارند، پس اصلا طرفدار ندارد؛ یعنی آن یک دهم درصد هم اگر فرض کنیم طرفدار او هستند قلابی است.

۴. رضا پهلوی تحصیلات درست و حسابی ندارد

۵. \*\* رضا پهلوی فرزند پدری است خود کامه، خودسر، خودبزرگ بین که قانون اساسی را به یکی از عقب افتاده ترین قوانین اساسی کشور ها تبدیل کرد.

۶. مبارزه رضا پهلوی در رابطه با خواست آمریکا و امکاناتی است که آمریکا در اختیار ایشان گذاشته است!

۷. رضا پهلوی هیچگونه شناختی از مردم ندارد.

۸. رضا پهلوی فرصتی به مردم نداده و بخصوص مخالفان سلطنت؛ که با او گفتگو کنند.

۹. رضا پهلوی حتی یک روز برای سیرکردن خود و خانواده اش آستین هارا بالانزده و کارنکرده.

۱۰. رضا پهلوی نه از مشکلات مردم خبر دارد و نه سرد و گرم زندگی را چشیده نه به اندازه کافی درس خوانده و با سواد است و نه تجربه مملکت داری دارد و نه سنی از او گذشته است که بتوان بعنوان ریش سفید و یا یک مرجع از آن استفاده کرد. (از همان رساله صفحه دوم)

درذیل موارد اشاره شده در رساله مزبور آمده بود:

خوب آقای دریا دار آریانپور با این موقعیتی که برای رضا پهلوی (اعلیحضرت) قائل شده اید چرا بعنوان یک دریادار معاون فرمانده نیروی دریایی به همان پادشاه خودسر، خودکامه که قانون اساسی را به یکی از عقب افتاده ترین قوانین دنیا تبدیل کرده، قسم وفاداری خورده است نامه سرگشاده مینویسد به کسی که از بنده نوعی هم حقیر تراست؟

پاسخ این چراها را باید در هویت ملی و فرهنگ ایرانی خواند که تشکیل دهنده موقعیت اعلیحضرت رضاشاه دوم است؛ که یگانه قدرت محبوب و مقبول مردم ایران است. امید ها همه بسوی اوست. و مهمتر از همه متصدی و نماد رژیم است که ۲۵۰۰ سال بقای ایران و ملت ایران را پشتوانه بوده است.

در رساله مورد اشاره بنام ۱۰ مورد مطروحه در نامه ایشان جواب بامستند حقوقی و دلایل کافی داده شده است که بملاحظه سنگینی کار انتقال آن به این تحریر لازم نمی آید لذا علاقمندان را به رجوع به آن دعوت مینماید.

=====

برای ثبت در تاریخ؛ بانوی میهن دوستی در گفتگوی تلفنی با آقای حمزه پور این مطالب را گفته و به صورت ایمیل به جاوید ایران فرستاده بودند:

(( آقای ح- ک

آقای حمزه پور گفتند دکتر امیر فیض را که با دربار آریان پور کار میکرد را میشناسد. گفتم دکتر امیر فیض را کاری با خابینین به میهن نیست.

گفتم ما در ایران یک میهن پرست واقعی پاکدست پاکنهاد مبارز ایستای راستگوی حقوقدان و محقق عالی مقام ذاتی داریم که حکم اجتهاد هم دارد و آن به اعتقاد قاطع راسخ من دکتر امیر حسین امیر فیض میباشد که او به راستی و ایستادگی دماوند است.

گفتند دوباره مجله سنگر و پیام را نگاه میکنم.

گفتم: سنگر هرگز مجله نبوده. آن یک سنگر به حق مبارزاتی تحقیقی به تمام معنا و کوشایی قاطعیت و نترس در تاریخ ایران است. شکی ندارم که من از خوشه چین های پرگاه او هستم. و گفتم شانس دیگر ما وجود آقای ح-ک مرد استوار دیگری در کنار ایشان است که مبارزی از خود جهیده است. که با همین نام از جاوید ایران مایلند با شما تماس بگیرند و مدارک لازم را در اختیاران قرار دهند. شایستگی تحصیلاتی و میهن پرستی ایشان در کنار دکتر میدرخشد.

با احترام

م ت ((